

اشاره:

موضوع تغییر نظم جهانی توسط مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای در سال ۹۳ مطرح شد و مورد توجه برخی محافل قرار گرفت. با شروع جنگ روسیه و اوکراین و همچنین اتفاقات متعدد در فضای جهانی، این بحث مجدداً مطرح شد و شخصیت‌های مهم سیاسی دنیا مانند رئیس‌جمهور فرانسه و آمریکا به صراحت از تغییرات جهانی سخن گفتند.

مقام معظم رهبری نیز فرمودند که جهان در دو مقطع دچار چرخش‌هایی شده که جهان اسلام از آن غفلت کرده است. مقطع اول: ورود استعمار به جهان اسلام در قرن ۱۸ و این امر در حالی بود که جهان اسلام درگیر ضعف‌های داخلی بوده و از دنیای خارج از خود بی‌خبر بوده است. استعمار از این غفلت جهان اسلام استفاده کرد و بسیاری از سرزمین‌های اسلامی به ویژه هندوستان و ایران و مصر زیر سلطه کشور استعماری هم‌چون انگلیس قرار می‌گیرند.

مقطع دوم: جنگ جهانی اول است که منجر به فروپاشی عثمانی و تشکیل خاورمیانه جدید شد. هر چند در آن مقطع مسلمانان در حوزه‌های اجتماعی فعال بودند. علمای اسلام در سه نوبت در نجف فتوا می‌دهند و نتایج این فتاوی مقابله با استعمار می‌شود. شخصیت‌هایی مانند مرحوم صاحب عروه در دفاع از دولت عثمانی فتوا می‌دهد، فرزندش نیز در دفاع از دولت عثمانی، شهید می‌شود.

نکته مهم آنکه جهان اسلام متوجه این تغییر نبود و بیش از آنکه توجه به تحولات جهانی داشته باشد و حضور معنادار داشته باشد، بیشتر در اصطکاک‌های اجتماعی و قومیتی ورود کرده بود و حداقل صد سال دنیای اسلام را درگیر خود کرده بود و همین امر نقطه ضعف و زمین‌های برای فروپاشی عثمانی به عنوان ابرقدرت اسلام فراهم شود و جغرافیایی بر جهان اسلام تحمیل گردید. جغرافیای جدید نه با گذشته جهان اسلام همخوانی داشت و نه زمینه همبستگی در جهان اسلام فراهم آورد.

خلأ تئوریک غرب در برابر مردم سالاری دینی

تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی انتخابات ایران

مجتبی کاظمی

تحولات عصر پست مدرن

در کشور ما نیز استعمار به صورت غیرمستقیم با سلطنت رضاخان آغاز شد. متأسفانه در آن مقطع تاریخی، اکثر نخبگان جامعه متوجه تحولات جهانی نبودند. در مورد جنگ جهانی دوم نیز باید به این نکته اشاره کرد که این جنگ، بیشترین تأثیر را بر روی کشورهای اروپایی گذاشت. به نظر می‌رسد تحولی که مقام معظم رهبری به آن اشاره دارند، تحولات جهان اسلام است. جهان اسلام یک اندوخته خوبی را در این سال‌های اخیر در مبارزه با غرب داشته است. از سویی دیگر، خود تمدن غرب دچار ضعف‌هایی شده که باعث شده در آستانه فروپاشی قرار گیرد و به شدت احساس بی‌آیندگی می‌کند. نظام اقتصادی مبتنی بر مصرف‌گرایی که بعد از جنگ جهانی دوم توسط کشورهای غربی به ویژه آمریکا به دنیا تحمیل شد، نه تنها در حوزه اقتصادی بلکه در حوزه فرهنگی نیز جوامع را دچار پوچی و بی‌هویتی کرد و منجر به ایجاد پدیده‌هایی مانند داعش و...

کشتی غرب، به گل نشسته

حمله اسرائیل غاصب به نوار غزه، باعث بی‌آبرویی بیش از پیش تمدن غرب شد و نشان داد که تمام شعارهای غرب، پوچ و توخالی است. یعنی تمام آن نظریه‌های لیبرال دموکراسی و جهانی شدن و توسعه زیر سوال رفت. آمریکا در ماجرای ویتنام توانست انتقاد از خود را پشت ماجرای دعوی با مارکسیسم و بلوک شرق پنهان کند. یا در جنایات انگلیسی‌ها در هندوستان که فوق‌العاده زیاد بود اما توانست خود را بازسازی کند. اما در ماجرای غزه به گونه‌ای است که به تعبیر دقیق مقام معظم رهبری، آبروی تمدن غرب از بین رفت! یعنی علوم انسانی و نظریات غرب زیر سوال رفت، به گونه‌ای که در اروپا طی این سه ماه گذشته، حدود ششصد راهپیمایی قابل توجه صورت گرفته است.

تمدن غرب و بشر جدید در رنج و تنهایی و غربتی قرار دارد که گویی غزه صدای بشر رنج‌دیده و ستمدیده در برابر تمدن غرب بود. این تظاهرات و راهپیمایی‌ها همانند عقده چند صد سال می‌باشد که در اروپا و کشورهای غربی مشاهده می‌شود. این حادثه یک بزنگاه تئوریک برای ارائه ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی به دنیا بوده و در طرف مقابل یک خلأ تئوریک برای غرب می‌باشد.

مردم‌سالاری اسلامی، یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های قدرت و اثرگذاری ماست. ما قرار نیست دنیا را به تصرف خود درآوریم، نیروهای همراه ما در عراق و سوریه نیابتی نیستند، مردم عراق خودشان تصمیم‌گیرنده می‌باشند. این اشتراک در آرمان ما و مسیر رسیدن به آنهاست که ما را تحت یک مدیریت جمع کرده است. مقام معظم رهبری نسبت به انتخابات میفرمایند که اگر اسلام را قبول ندارید، به خاطر ایران قوی، به پای صندوق‌های رأی بیایید. انتخابات در این مقطع تاریخی، بسیار مهم و حساس است چراکه یکی از مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی برای ایجاد نظم نوین در جهان و ارائه آن به دنیا، مردم‌سالاری دینی است که تجلی آن در انتخابات است و قطعاً هرگونه اقدام در این مسیر، جزو باقیات الصالحات خواهد بود.

ما طی ۴۵ سال رنج و سختی و دشواری را تحمل کرده‌ایم و یکی از نقاط ثمردهی شجره انقلاب، قطعاً در این انتخابات رقم می‌خورد. کسانی که به هر نیتی خلاف این مسیر حرکت می‌کنند قطعاً به خلاف مصالح اسلام و دین اقدام می‌کنند. چراکه صرف‌نظر از قدرت روانی و اقتدار ایران، انتخابات از بُعد جهانی و منطقه‌ای نیز حائز اهمیت می‌باشد.

شد؛ داعش صرفاً یک پدیده کلامی نیست بلکه به اذعان بسیاری از کارشناسان یک پدیده پست‌مدرن است. هیچ‌گاه القاعده به سمت این حجم از کشتار و انتحار نرفته است. اینجاست که جهان اسلام با بحران‌های شدیدی روبرو می‌شود و در این دوره است که انقلاب اسلامی و تجربه مردم‌سالاری دینی رقم می‌خورد.

جمهوری اسلامی توانست طی بیش از چهار دهه، هرچند با داشتن نقاط ضعف و مشکلاتی که عمدتاً هم دشمن برایش بوجود می‌آورد، زیست سیاسی خود را در کوران حوادث به روز کرده و از بحران‌ها عبور کند. انقلاب اسلامی دارای عقبه بزرگی می‌باشد که در گذشته اینچنین عقبه‌ای وجود نداشته است. جز یک دوره مشروطه در ایران و عثمانی که مشروطه اول و دوم عثمانی که عمدتاً حکومتی و غیر مردمی بود (البته مشروطه دوم بیشتر شبه کودتا بود). در ایران نیز در ابتدای مشروطه، تلاش‌های خوبی توسط علمایی همچون شهید مدرس که به دنبال احیای مشروطه اصیل بودند صورت گرفت اما در ادامه وقایعی رخ داد که مانع اقدام این ظرفیت‌ها شد. بنابراین مردم‌سالاری اکنون چنین پشتوانه‌ای دارد و اکنون با گذشت ۴۵ سال از پیروزی انقلاب، قوام یافته و توانسته سیاست و اداره جامعه و حیات اجتماعی سیاسی جامعه ایران را با تمام دشواری‌ها ادامه دهد. بنابراین اکنون ماجرا در تحولات امروز جهان اسلام، ایران است که دارای ابعاد نظامی و بین‌المللی وسیع است و یکی از مهمترین اتفاقات سیاسی درون ایران، مردم‌سالاری دینی به عنوان عنصر جابجایی قدرت است.

مقام معظم رهبری در جریان بیداری اسلامی، به نقطه آسیب آن اشاره کردند که کشورهای اسلامی نتوانستند از نهضتی که به ثمر رسانده‌اند عبور کنند و به مرحله بعد که تشکیل یک نظام مردم‌سالار اسلامی است (و نه ضرورتاً شیعی) برسند. کسی در نظم جهانی دست برتر را دارد که بتواند یک برساخت جدید و طرح نویی به دنیای غرب عرضه کند. یعنی مدلی که طی ۴۵ سال امتحان خود را پس داده است.

چرا بعد از جنگ جهانی دوم، تفکر آمریکا در قاره اروپا پذیرفته شد؟ آمریکا به عنوان یک قدرت اقتصادی و اجتماعی که توانسته بود به شکل خاصی، دنیای جدیدی را برای اروپای ویران شده عرضه کند، سر برآورد و اروپا را ضمیمه فرهنگ و زندگی خود کرد.

مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویی سال ۱۴۰۱ وقتی از نظم جهانی جدید سخن گفتند، از آینده‌ای پیچیده و دشوار سخن گفتند. یکی از مؤلفه‌های بزرگ قدرت جمهوری اسلامی در این نظم جدید، مردم می‌باشد.